

دایرة المعارف جهان زین اسلام

جلد ۲

پ-ز

سر ویراستار متن انگلیسی

جان ل. اسپوزیتو

ترجمه و تحقیق و تعلیق

زیر نظر

حسن طارمی، محمد دشتی، مهدی دشتی



شرکت کتاب مرجع



نشر کنگره

تهران ۱۳۸۸



فہرست همکاران این مجلد

الف- معادل یابی، تنظیم و توضیح مدخل‌ها  
نگار نادری

ب- ترجمه مقالات

مہدی افشار	مسعود صادقی علی آبادی
محسن الویری	سیدرضا طاهری
سیدحسن امین	علی فاطمیان
محمد باقری	محمد فاطمیان
ولی‌الله بزرگر کلیشمی	مہدی فاطمیان
بزرگانیان	سیدمجید قافله‌باشی
سعید پیشداد	حمیدہ کوکب
محمد تقی زاده	غلامرضا لایقی
صمد چینی فوشان	سیدعلی مرتضویان
داود حاتمی	ساسان مظاہری
مستورہ خضراپی	سپیدہ معتمدی
علی اصغر خندان	مجتبی منسی زاده
شہناز رازپوش	افسانہ منفرد
رضا رضازادہ لنگرودی	سیدحسین میرجلیلی
محمد رفیعی مہرآبادی	نگار نادری
حسین سوزنجی	لیلا ہوشنگی

ج- مقابله ترجمه و ویرایش

سپیدہ معتمدی	نگار نادری
--------------	------------

د- ویرایش علمی، تحقیق و تعلیق (ہیئت ویراستاری)

حسن طارمی‌راد	محمد دشتی
مہدی دشتی	

ه- مشاور

مرتضی شفیعی شکیب

و- ترجمه کتابشناسی

مستورہ خضراپی

ز- گزینش و آماده‌سازی تصاویر

مقصوٰۃ میرسعیدی

ح- ضبط اعلام

کبری محمدی تکیہ

ط- امور هنری

مسعود نجابتی (طراح گرافیک) علی لیاقی (اجرای هنری و نظارت چاپ)

ی- آماده‌سازی فنی

سہیلا اسدی باہر (صفحه‌آرا) اعظم رمضانبور (حروف نگار)  
اکرم رضایی (نوبہ خوان و ویراستار فنی) رقیہ عابدی (حروف نگار)

ک- امور اجرایی

وحید وکیل

حکمتیار، گلبدین	دیوبند، پ. ادواردر	خانات کریمہ	آن فیشر
حکومت	محمد تقی زاده	خانقاہ	سیدہ معتمدی
حکیم، سید محسن	کیٹ ٹوئسٹین	خانوادہ	مارشال ہرمانسن
حلال	مہدی افشار	خانہ	اقساطہ منقرہ
حلف سے قولنامہ (قرارداد)	جونیس لہ، ویلی	ختمیہ	الیزابت واینگ فونہ
حلی، علامہ ابن المظہر (حسن بن یوسف) نورمن کالدر	محمد تقی زاده	ختہ	نگار نادری
حلم باشا، محمد سعید	عظیم اراتچی	خدایو سے محمد علی، خاندان	خوان ادواردر کامبو
حماس	محمد رفیعی مہر آبادی	خوج	محمد تقی زاده
حمکہ	محمد تقی زاده	خطبہ	احمد الشاہی
حنبلے سے فقہ	فیروز احمد	خطبہ	زیلا خوشنگی
حنفی سے فقہ	سیدہ معتمدی	خطبہ	یزل ۵، ووف
حنفی، حسن	ژان فرانسوا ٹوگرن	خطبہ	مہدی افشار
خارجیان سے خوارج	محمد تقی زاده	خطبہ	
خالد محمد خالد	توفیق عبداللہ	خطبہ	
خان	محمد تقی زاده	خطبہ	
خانات بخارا	عوسی بی، بلادہ	خطبہ	
خانات خوقند	محمد تقی زاده	خطبہ	
خانات خیوہ	ویلیام ای، شہارذ	خطبہ	
خانات غازان	محمد تقی زاده	خطبہ	
	ژنہ، رگارتوینٹ	خطبہ	
	اقساطہ منقرہ	خطبہ	
	دوین دو، ورس	خطبہ	
	سیدہ معتمدی	خطبہ	
	پوری برگل	خطبہ	
	سیدہ معتمدی	خطبہ	
	شیرین آکینر	خطبہ	
	سیدہ معتمدی	خطبہ	
	اولی شامل اوغلو	خطبہ	
	سیدہ معتمدی	خطبہ	

قوانین خراج بر اساس اصل قانونی «المصالح المرسله» است که در چارچوب اصول فقه (چهار منبع فقه اسلامی) قرار دارد<sup>۵</sup> و عموماً بر این عقیده است که مسلمانان حق غیرمشروطی نسبت به خراج دارند. در این باره فقهای حنبلی، ابن عقیل و ابن تیمیه، گفته‌اند که خراج باید به عنوان یک قانون خاص (تماماً منحصر به فرد) درک شود و بسته به قرارداد، مبتنی بر ملاحظه منافع عمومی مردم و ایمان آنان است. از آنجا که خراج بر زمینی وضع می‌شود که در تملک صاحبان اصلی آن که از ابتدا مسلمان نبودند باقی می‌ماند، گاه خراج را «جزیه زمین» می‌نامیدند، همانند جزیه (مالیات ثابت سرانه) که گاه خراج سرانه نامیده می‌شد. از لحاظ حقوقی، خراج هزینه‌ای است که برای حمایت و ایمنی زمین به دولت پرداخت می‌شود. خراج، مشابه با زکات محصول که از فرد مسلمان اخذ می‌شود، برابر عشر (۱۰٪) است. زمین مشمول خراج، زمینی است که مسلمانان به تصرف درآورده‌اند یا ساکنانش آن را رها کرده و گریخته‌اند، یا زمینی که ساکنان آن متعهد شده‌اند به مسلمانان خراج بپردازند و در عوض مالکیت زمین خود را نگه دارند. زمینهای مناطقی که در مقوله زمین خراجی قرار می‌گیرد، زمینهای مزروعی، مراتع، شکارگاهها، و مزارع است. اغلب فقها، خانه‌ها و اماکن کسب و کار را از خراج

>نفوذ اسلام در آفریقا <

12. Westermark, Edward A. *Ritual and Belief in Morocco* (1926). vol. 2. Reprint, New York 1968.

>آداب و اعتقادات در مراکش (۱۹۲۶) <

۱ / اول ۵. و اوف

**خراج**<sup>۲</sup>، نظام مالیاتی که برای زمینهای کشاورزی تحت تملک غیرمسلمانان طراحی شد که با نظام مالیاتی مربوط به زمینهای کشاورزی تحت تملک مسلمانان متفاوت است. دولت اسلامی مجاز به اخذ خراج (که عملاً همان اجاره‌بهاست) حتی از زمین کشت نشده است. در دستگاه مالیاتی اسلامی، کلمه خراج اگر به صورت مطلق و بدون قید به کار رود به معنای مالیات بر زمین است؛ این مالیات، بر داراییهای ارضی تحت تملک مردم منسوب وضع شد که در ازای پرداخت مالیات سالانه، مالکیت خود را بر این زمینها حفظ می‌کردند. خراج اولین بار بعد از جنگ خیبر وضع شد، وقتی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم به یهودیان خیبر اجازه داد به زمینهای خود بازگردند مشروط بر آنکه نیمی از محصول خود را به عنوان خراج بپردازند.<sup>۳</sup> هر چند تنها مالیاتهای مشخص شده در قرآن زکات و جزیه است<sup>۴</sup> (که اولی بر مسلمانان و دومی بر غیرمسلمانان وضع شد)، مجموعه

1. Earle H. Waugh 2. KHARĀJ

۳. عنوان خراج، عنوانی است که سالها پس از وفات پیامبر توسط بعضی از پیروان مکتب خلفا وضع گردید. آنچه که در خیبر رخ داد بدین شرح بود که رسول خدا، پیود را در درون قلعه‌های ایشان حدود یک ماه به محاصره درآورد و آنها هر روز با ده هزار جنگجو بیرون می‌آمدند و می‌جنگیدند ولی در نهایت بخشی از سرزمین آنان با جنگ و بخشی با مصالحه فتح شد. پیامبر آنچه را که با جنگ فتح شده بود تخمیس نمود و چهار پنجم آن را میان مسلمانان حاضر در نبرد خیبر و حدیبیه تقسیم کرد و چون کارگر و کشاورز ماهر در اختیار نداشت زمینهای آنجا را به یهودیان سپرد تا آن را بکارند و اداره کنند و در عوض نیمی از محصولش را بردارند (منزای واقدی، ص ۶۳۷؛ وفاء الوفاء، ص ۱۳۱۰؛ فتوح البلدان، ج ۱، ص ۲۶-۳۱ به نقل از ترجمه منالم المدرستین، علامه عسکری، ج ۲، ص ۱۹۴)؛ بنابراین ما چیزی به نام خراج در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم نداریم و آنچه که در این موارد بود خمس نام داشت که متأسفانه پس از رحلت پیامبر اکرم طوع حوادثی که صاحبان قدرت پیش آوردند خمس را به کلی از میان بردند و آن را منحصر به غنایم ناشی از جنگ کردند و در باقی موارد تحت عنوان زکات یا خراج عمل کردند که داستانی مفصل دارد (به همان، ص ۱۵۵-۲۷۳).

۴. اگر چنین است که نویسنده محترم گفته است پس چه کنیم با آیه ۴۱ از سوره انفال که در آن بحث خمس تصریح شده است. برای آشنایی با تفصیلی این بحث به منبع سابق.

۵. این مقاله بر مبنای نظریات فقهی علمای مکتب خلفا (اهل سنت) تنظیم شده است که عمده مبتنی بر آرا و اجتهادات ایشان است. در مکتب در اسلام، علامه عسکری، ج ۲؛ اجتهاد در برابر نص، عبدالحسین شرف‌الدین. از آنجا که لفظ خراج غالباً در مالیات و عوارض زمین استعمال شده است برای آشنایی با نظریات فقه شیعه در این زمینه به زمین در فقه اسلامی، سیدحسین مدرسی طباطبایی؛ شرایع الاسلام، محقق حلّی؛ النهایه، شیخ طوسی؛ تبصرة المتعلمین، علامه حلّی.

(والیان) - امامان یا گردانندگان نماز جماعت بودند که در مسجد جامع شهر اقامه می‌شد. برخی از انواع خطبه در تجمعیایی ایراد می‌شد که اجتماعات سیاسی شناخته می‌شدند، اهمیت جماعت مسجد در منبر تجسم می‌یافت، یک سازه مرتفع که خطبه به پیروی از سنت حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر آن ایراد می‌شد. در مراسم آغاز خلافت، خلیفه بر منبر جلوس می‌کرد، مردم با او بیعت می‌کردند و خطبه‌ای ایراد می‌کرد. ولایات به مانند خلیفه در پایتخت، ورود رسمی خود به مسند قدرت را با جلوس بر منبر مسجد جامع و ایراد خطبه‌ای آغاز می‌کردند.

همچنین به نظر می‌آید، سب و ناسزا گفتن به دشمنان حاکم و یارانش از منبر، به یک رسم تبدیل گردید. به همراه آن، نثار دعا و صلوات بر حاکم که خطبه نماز جمعه به نام وی ایراد می‌گردید، رسم شد. از خطبه، همچنین برای دفاع از سیاستها، تحریک احساسات عمومی و تبلیغات استفاده می‌شد.

در عهد عباسی (۱۳۳-۶۵۶) گسترش قلمرو اسلامی و دلمشغولی خلفا به تشریفات و سنتهای سلطنتی ایرانی، مانع از آن شد که مقامات عالی‌رتبه، شخصاً به ایراد خطبه بپردازند. به جای آن، یکی از علمای دینی به منصب خطابه برگزیده می‌شد.

علاوه بر واعظان رسمی یا خطیبان، از همان اوایل، دسته‌ای دیگر از سخنوران ظهور کردند که جماعت را به وسیله داستان به تکالیف دینی‌شان تذکار می‌دادند. واژه قاصص (قصه‌گو) برای این سخنوران به کار می‌رفت. یوهانس پدرس<sup>۷</sup> «نقدی بر وعظ در اسلام»<sup>۸</sup>، در [مجله] جهان اسلام، [ش] ۲، [۱۹۷۳]، ص ۲۱۵-۲۳۱ تفاوت خطیب و قاصص را در آن می‌داند که خطیب، نماینده حاکم جامعه (امت) اسلامی بود. خطابه او به قالبهای خاص مقید بود و در اوایل اسلام خصلتی سیاسی داشت. علاوه بر این تمایز، تفاسیر غیررسمی قاصص از قرآن و سنت عامل پدید آمدن تفاوتی آشکار بین خطیب و قاصص بود.

معاف می‌دانند. مبلغ خراج به راههای متعددی ارزیابی و تعیین می‌شود. از جمله: بر مبنای وسعت زمین بر حسب جریب، درصدی از محصول به دست آمده، مقدار محصول، مقداری ثابت قطع نظر از هرگونه عاملی. عموماً این توافق وجود دارد که بعد از گذشت یک سال تمام از زمان جمع‌آوری خراج، می‌توان دوباره خراج گرفت. خراج متعلق به کل جامعه است و نه یک گروه خاص و باید بر اساس نظر حاکم در جهت منافع عمومی امت اسلام خرج شود.

منابع:

۱. ابویوسف، کتاب الخراج، قاهره ۱۹۳۳/۱۳۵۲.
۲. مدرسی طباطبایی، سیدحسین، زمین در فقه اسلامی، لندن ۱۹۸۳.
۳. یحیی بن آدم، کتاب الخراج، ترجمه آهارون بن شمش، لیدن ۱۹۶۷.

/ عبدالرحمان ای. دوی /

**خطبه**<sup>۲</sup>، سخنرانی یا خطابه‌ای که خطیب آن را در مراسم نماز جمعه، گرامیداشت اعیاد مذهبی یا در مناسبتهای دیگر و اغلب در مسجد ایراد می‌کند. به گفته برنارد لوئیس<sup>۳</sup> (عربیها در تاریخ<sup>۴</sup>، لندن ۱۹۶۶، ص ۱۳۵) از خطیب و شاعر میان عربهای پیش از اسلام، غالباً باهم یاد می‌شد؛ هر دو واجد مقامی والادری میان قبایل عرب بودند. آنها با زبانی بلیغ و رسادر مدح و ستایش شکوه و افتخارات قبیله خود و هجو و برملاکردن نقاط ضعف رقیبان سخن می‌راندند. بر اساس مطالعات س. د. گویتین<sup>۵</sup> (بسررسیهایی در تاریخ و نهادهای اسلامی<sup>۶</sup>، لیدن ۱۹۶۶) پیش از هجرت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به مدینه، مسلمانان مراسم نماز جمعه را در مکه برگزار نمی‌کردند. با رشد و توسعه جامعه اسلامی در مدینه، تعیین زمانی برای گردآمدن همه مسلمانان در مسجد و امکان ملاقات منظم پیامبر با ایشان، ضروری شد. بنابراین، نماز ظهر جمعه بر هر مرد بالغ (مکلف) و آزاد (حُرّ) واجب گردیده و پیامبر و پس از او، جانشینانش - خلفا و حاکمان ولایات

1. Ab Dul Rahaman I. Doi      2. KHUṬBAH      3. Bernard Lewis      4. *The Arabs in History*  
 5. S.D. Goitein      6. *Studies in Islamic History and Institutions*      7. Johannes Pedersen  
 8. "The Criticism of Islamic Preacher"      9. *Die Welt des Islam*